ذره‌بین

دستگیری جاعل ۴۰ میلیاردی چک‌های سفیدامضا

شهروند| باند جاعلان چک‌های سفیدامضا که بافروش چک‌های جعلی به‌افرادبازاری، ۴۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده‌بودند،دستگیرشدند.

درپی دریافت یک پرونده از دادسرای شهرستان ملارد به شکایت آقای «فتح‌الله سعیدی‌عیشی» مبنی برجعل و کلاهبرداری به دادســرای کرج، پرونده جهت بررســی موضوع بــه پلیس آگاهی استان ارجاع شد. درتحقیقات مقدماتی مأموران، شــاکی به پلیس آگاهی دعوت و اظهار داشت که درســال ۹۲ مدارکش مفقود شــده،اما به تازگی متوجه شــده که با مشــخصات وی تعداد زیادی دسته‌چک از بانک‌های متعدد توسط افراد جاعل با مشخصات او و عکس جاعلان صادر شده است. به گفته شــاکی، بدون این‌که درحساب‌ها ریالی، موجودی وجود داشــته باشــد، چک‌های زیادی دست افراد بازاری درحال گردش است و زمانی که سررسید چک‌ها فرا می‌رسد، با توجه به خالی‌بودن حســاب‌ها، چک‌ها برگشــت خورده که منجر به شکایت‌های متعددی از شــاکی پرونده به مراجع قضائی شده که تحت رسیدگی اســت. به لحاظ اهمیت موضوع و احتمال باندی بودن جرم و اخلال درنظام پولی کشــور، پرونده جهت رسیدگی ویژه تحویل اداره عملیات پلیس آگاهی شــد. در ابتدا دو تیم اطلاعاتی و عملیاتــی با بکارگیری تمامی امکانات و سیســتم‌های اطلاعاتی جهت بررسی ادعای شاکی، وارد عمل شــدند. پس از استعلام از مراجع قضائی درخصوص مفقودشــدن مدارک شاکی و احراز صحت و ســقم اظهارات شاکی، از بانک‌هایی که‌بانام «فتح‌الله‌سعیدی‌عیشی» توسط جاعل دسته‌چک دریافت شده‌بود، استعلام صورت گرفت که‌مشخص شد از اکثر بانک‌های شهرستان کرج دسته‌چک با این نام دریافت شده که به خاطر نداشــتن موجودی کافی ۳۰۰ فقره چک به مبلغ ۴۰ میلیارد ریال تاکنون، برگشــت خورده است. از آنجایی کــه فرد جاعل وافتتاح‌کننده حســاب درمدارک ارایه شــده به بانک‌ها از مدارک جعلی استفاده کرده بود و هیچ‌گونه ردی از خود به جای نگذاشته بود، شناســایی جاعل را با مشکل مواجه می‌کرد کــه با تلاش‌های شــبانه‌روزی و اقدامات اطلاعاتی گسترده مأموران، رد فرد سابقه‌داری در چک‌ها به دست آمد. با بررسی سیستم اطلاعات افراد، مشخصات متهم و عکس وی با عکس روی مدارک شاکی مطابقت داده شد و با انجام اقدامات گسترده فنی واطلاعاتی درنهایت آدرس متهم در اندیشه شناسایی شد. با هماهنگی مقام قضائی در یک عملیات غافلگیرانه متهم دستگیر و در بازرسی از منزل وی، تعداد ۳۵ فقره چک سفیدامضا کشف و به‌همراه متهم به پلیس آگاهی منتقل شدند. متهم دربازجویی مأموران از وجود هرگونه کلاهبرداری اظهار بی‌اطلاعی کرد، اما با توجه به اسناد و مدارک موجود لب به اعتراف گشــود و به جرم خود مبنی برجعل شناسنامه شاکی و سپس چسباندن عکس خود و دریافت کارت ملی و افتتاح حساب با مدارک جعلی و گرفتن دسته‌چک‌های متعدد از بانک‌های مختلف شهرستان کرج اعتراف کرد. بنابه اعترافات متهم، چک‌ها را به صورت سفیدامضا به دونفر که با وی همکاری داشتند، تحویل داده و آنها نیز چک‌ها را به مبلــغ ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومــان به متقاضیان فروخته‌اند. بــا راهنمایی متهم دستگیرشــده، مخفیگاه‌متهمان درشهرستان‌ساوجبلاغ‌شناسایی و پس از دریافــت نیابت قضائی، نامبــردگان در دوعملیات جداگانه دستگیر و در تحقیقات اولیه منکر خرید چک جعلی شــدند، ولی درمواجهه با متهم اصلی و فروشنده چک‌های جعلی به ناچار لب به اعتراف گشــودند و اقرار کردند که از سال ۹۲ با متهم آشنا شده و حدودا ۶۰ فقره چک سفید امضا از وی خریــداری و در بازار خرج کرده‌اند. با توجه به فروش چک‌های سفیدامضا در بازار و نداشتن هیچ آدرس و مشــخصات قبلی از افرادی که از بابت این چک‌ها متضرر شــده‌اند، قاضی دستور چاپ خبر را از طریق رســانه‌های جمعی صادر کرده اســت تا افراد مالباخته که چک‌هایــی با عنوان «فتح‌الله سعیدی‌عیشی» در دست دارند، جهت طرح شکایت به پلیس آگاهی اســتان البرز مراجعه و همچنین سایر افراد کلاهبردار نیز شناسایی و دستگیر شوند. تاکنون ۳۲ نفر از کسانی که از بابت برگشت چک‌ها بالغ بر ۱۰ میلیارد ریال متضرر شده‌اند، شناسایی شــده‌اند و تلاش برای شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد. گفتنی است، هر سه متهم دستگیرشده جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شده و از آنجا روانه زندان شدند.

اهدای ۱۰ عضو بدن مرد ۵۰ ساله محمودآبادی

با اهدای ۱۰ عضو یکی از اهالی محمودآباد که در سانحه تصادف دچار مرگ مغزی شده بود، به چند نفر جان دوباره بخشیده شــد. با رضایت خانواده مرحوم زکریای فضلی که حدود ۱۸ روز قبل هنگام برگشتن از سر کار دچار ســانحه تصادف شد و تا دیروز در حالت کما بوده و با تشخیص پزشکان دچار مرگ مغزی شده بود، اعضای بدن وی به بیماران نیازمند اهدا شد. این خیر نیکوکار که پنج دهه از عمر خود را ســپری کرده بود، دارای دو فرزند پسر ۲۵ ساله و دختر ۲۰ ساله بوده که از اهالی روستای گلیــرد از توابع بخش مرکزی بــوده که با رضایت خانواده، ۱۰ عضو بدن وی به سایر بیماران نیازمند اهدا شد. هفته قبل هم بتول کرمی که دارای کارت عضویت پیوند اعضا بوده و دچار مرگ مغزی شده بود، بنا به وصیت خودش ۱۷ عضــو او به بیماران نیازمند اهدا شد.

عکس‌ها: فارس

جدیت پلیس در برخورد و کشف پرونده‌های آدم‌ربایی

ناکامی گروگانگیران در تهران ۷ ساله شد

رئیس پلیس تهران بزرگ: آدم‌ربایی در ۶ ماه نخست سال جاری ۵۵ درصد کاهش داشته است

شهروند| از ابتدای سال جاری تاکنون ۵ مورد آدم‌ربایی در تهران اتفاق افتاده که با تلاش مأموران پلیس گروگان‌ها بــه آغــوش خانواده‌های خود بازگشــتند. این خبر را سردار حسین ساجدی‌نیا، رئیس پلیس تهران بزرگ روز گذشــته اعلام کرد. به گفته او در ۶ ماه نخست سال گذشته ۱۱ پرونده آدم‌ربایی در تهران بزرگ تشــکیل شده بود که در مقایســه با ۵ مورد گروگانگیری در ســال جاری کاهش چشمگیری داشته‌است. رئیس پلیس تهران بزرگ ناکامی آدم‌ربایان طی چند سال اخیر را یکی دیگر از موفقیت‌های پلیس عنوان کرد: «در ۷ سال گذشته موردی نبوده اســت که آدم‌ربایی موجب قتل گروگان یا موفقیت گروگانگیر شده‌باشد.»

رئیس پلیس تهران بزرگ همچنین خبرهای دیگری هم درخصوص کاهش سایر جرایم داشت: «سرقت به عنف در ۶ ماه نخست امسال نسبت به همین مدت در ســال گذشته کاهش ۱۱ درصدی داشــته، کاهش ۲۱ درصدی قتــل، ۵۵ درصدی آدم‌ربایی و ۳۶ درصدی شرارت نیز از دیگر آمارهای ۶ ماه نخست امسال بوده اســت.» اما این کاهش جرایم و موفقیت پلیس در کشف و ناکام گذاشتن تبهکاران به خاطر تلاش شبانه‌روزی و البته افزایش گشت‌های پلیس در محله‌های مختلف تهران است. ۳۸۴ محله‌ای که به گفته ســاجدی‌نیا به صورت همزمان و شــبانه‌روزی از ســوی پلیس در حال رصدشدن اســت و در صورت تأمین نیروی مورد نیاز ناجا در ۶ ماه دوم ســال جاری این گشت‌ها در محله‌های مختلف تهران بیشــتر هم می‌شود تا شــهروندان تهرانی بیش از پیش احساس امنیت کنند و البته عرصه بر مجرمان و تبهکاران تنگ و تنگ‌ترشود.

اما در میان جرایم مختلف، گروگانگیری یا همان آدم‌ربایی با قرارگیری در ردیف جرایم خشن نقش بسزایی در القای احســاس ناامنی به جامعه دارد. جرمی که حالا به گفته ســردار ســاجدی‌نیا در ۶ ماه نخست امسال نســبت به مدت مشابه در سال گذشته کاهش ۵۵ درصدی داشته است. کاهشی که بی‌شک می‌تواند نشان‌دهنده توانمندی پلیس در کلانشهری چون تهران باشد. عملکرد به‌موقع، ســریع، رصد لحظه‌به‌لحظه، اطمینان از سلامت گروگان، کنترل و نظارت بــر اقدامات خانواده فرد گروگان گرفته شده، برخورد و درنهایت دستگیری آدم‌ربایان فرآیند دقیق، سخت و حساس است که یک اشتباه یا خطای محاسباتی کوچک می‌تواند عواقب بسیار دلخراش و جبران‌ناپذیری داشته‌باشد. به همین دلیل هم کشف و حل‌وفصل یک پرونده گروگانگیری و آزادی فرد یا افراد ربوده شده برای پلیس اهمیت ویژه‌ای دارد. در ادامه مروری خواهیم داشت بر چند پرونده گروگانگیری.

سرقت کودک خردسال در بازار شهرقدس

بیستم خرداد سال جاری بود که خبر آدم‌ربایی یک کودک خردسال در یکی از بازارهای شهرقدس به پلیس گزارش شــد. با توجه به اهمیت موضوع دســتورات ویژه برای پیگیری سریع پرونده صادر شد و تیمی مجرب از پلیس شهرستان قدس بررسی موضوع را به صورت ویژه آغاز کردند. مأموران پلیس با اعزام به محل سرقت این کودک سه سال و نیمه که در یکی از بازارهای شــلوغ این شهرســتان در ساعت پرتردد روز تعطیل بود به صورت تخصصی همه اماکن و محله‌های تردد را مورد بررســی قرار دادند و از دوربین‌های مداربســته موجود در بازار بازبینی کردند. با بررســی دوربین‌های مداربسته، فرد ناشناسی حدود ۲۵ ساله شناسایی شد که به صورت آشفته در بازار پرسه می‌زد، این فرد ناشناس ســپس در نقطه خلوت بازار پس از اغفال کودک اقدام به ربایش طفل خردسال می‌کند. مأموران با بررسی فیلم‌های مسیر تردد فرد رباینده و فرد ربوده شده، آخرین مسیر تردد آدم‌ربا و کودک را شناسایی کردند. با تحقیقات گسترده شبانه‌روزی و اقدامات تخصصی، مخفیگاه متهم شناسایی شد و پس از اطمینان از حضور آدم‌ربا با هماهنگی لازم در یک اقدام ضربتی، مأموران پلیس او را در مخفیگاهش دســتگیر کردند. این آدم‌ربا کــه به گفته مقامات انتظامی غرب استان تهران دارای اختلالات روانی اســت دو فقره ســابقه کیفری آدم‌ربایی «کودک خردسال» را در پرونده خود دارد، در اظهاراتش به پلیس گفت: «روز قبل از حادثه در حالی که تنها در منزل بودم، تصمیم به قتل کودکی گرفتم و مبلغ ۴۰ هزار تومان از خانواده‌ام سرقت کردم و در ساعت ۱۹ به بازار شهرقدس که محل شلوغی بود، آمدم و دیدم که طفل خردســالی در حال بازی است. با او ارتباط برقرار کردم و کودک را به ایســتگاه مترو کلاهدوز تهران بردم که به دلیل شلوغی و ازدحام جمعیت ناگهان کودک گم شد.» با تلاش مأموران شهرستان قدس و با راهنمایی متهم دستگیر شده، همه محل‌های تردد که دارای دوربین مداربســته بود، مورد بازبینی قرار گرفت و معلوم شد که کودک در ساعت همان شب از مترو کلاهدوز در حال خارج شــدن اســت که با تحقیقات همه‌جانبه و حضور میدانی مأموران کودک ربوده شــده، پیدا شــد و صحیح و سالم به آغوش خانواده‌اش برگشت.

آدم‌ربایی معلم به همراه شاگردانش برای طلب ۶۰ میلیونی

پرونده آدم‌ربایی بعدی مربوط به یک معلم است که با همکاری تعدادی از دانش‌آموزان پسر یک فروشنده خودرو را برای تسویه‌حساب ۶۰ میلیونی ربوده بود. ماجرای این پرونده عجیب از ۲۴ مرداد ســال ۹۴ و در پــی مراجعه مردی بــه کلانتری پیشــوا کلید خورد. این مرد که فروشنده خودرو بود، در اظهاراتش به پلیس مدعی شد که پسرش از سوی افراد ناشــناس ربوده شده و آدم‌رباها برای آزادی‌اش ۳۰۰ میلیون تومان پول خواســته‌اند. تحقیقات پلیسی برای شناســایی آدم‌رباها آغاز شده بود که شاکی بار دیگر به پلیس مراجعه کرد و مدعی شد سرکرده آدم‌رباها معلم پسرش است که به خاطر اختلاف‌های مالی گروگانگیری کرده است: «امروز معلم پسرم که از چندی پیش بر سر معامله خودرو، ۶۰ میلیون تومان به او بدهکار شده بودم با من تماس گرفت و گفت پســرم را دزدیده و از من خواســت طلبش را پس بدهم تا پسرم را آزاد کند.» با به دست آمدن این سرنخ، محل‌های تردد گروگانگیر تحت تعقیب نامحسوس پلیس قرار گرفت و طولی نکشــید که با کشف مخفیگاه او و چهار همدســتش و محل نگهداری گروگان در باغی اطراف پایتخت، مــرد گروگانگیر و چهار دانش‌آموز همدستش دســتگیر شدند و پسر ۱۸ ساله نیز آزاد شــد. با دستگیری و اعتراف متهمان که از دانش‌آموزان معلم بودند، کیفرخواست صادر و پرونده برای رســیدگی در اختیار قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت. قضات شعبه پس از شنیدن اظهارات آنها و شور، معلم و شاگردانش را با توجه به شــرایط ویژه متهمان به ۶ ماه حبس -برای هر متهم- محکوم کردند.

دو پرونده آدم‌ربایی در فروردین سال ۹۴

نخســتین پرونده آدم‌ربایی در ســال ۹۴، ۲۳ فروردین کلید خــورد. در ایــن روز مردی جوان که برادرزن ۱۰ ســاله خود را در ازای ۵۰۰ میلیون تومان پول هنگام بازی در کوچه دزدیده بود، در ۲۷ فروردین به همراه دو همدست دیگرش در عملیات نامحسوس پلیس دستگیر شد و کودک ۱۰ ساله هم نجات یافت. در دومین پرونده نیز ۲۷ فروردین، زنی جوان با همدستی شوهرش، پدربزرگ خود را دزدید تا اموال او را به نام خود بزند؛ اما او در ســوم اردیبهشت دستگیر شد و گروگان ۹۰ ساله هم آزاد شد.

گروگانگیری پسر آهن‌فروش ثروتمند

سومین پرونده آدم‌ربایی سال ۹۴ که سروصدای زیادی هم به پا کرد، ربودن پســر ۱۴ ساله در ازای پرداخت ۳ میلیــارد تومان بود. پرونــده‌ای که از آن با نام آدم‌ربایی ۳ میلیارد تومانی یاد می‌شــود. ۳ آدم‌ربا که با ربودن امیرحســین ۱۴ ساله پسر یک آهن‌فروش درخواســت ۳ میلیارد تومان پول برای آزادی او کرده بودند. درخواســتی که البته با تلاش شــبانه‌روزی مأمــوران پلیس هیچ‌وقت عملی نشد و آدم‌رباها با دستگیری از سوی پلیس در انجام نقشــه خود ناکام ماندند. اما رسیدگی به این پرونده آدم‌ربایی در پایتخت، ســاعت هشت صبح پنجم اردیبهشــت ماه ۹۴ با مراجعه مردی به کلانتری ۱۱۲ ابوســعید تهران آغاز شد. او در اظهاراتش به مأموران گفت که پسر ۱۴ ساله‌اش به نام امیرحسین هنگام مراجعه به مدرسه ربوده شده است. با ثبت اظهارات شاکی، به سرعت پرونده‌ای با موضوع «آدم‌ربایی» تشکیل شد و برای رسیدگی در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. پدر امیرحسین در ادامه شکایتش به تماس آدم‌ربایان با تلفن همراهش و درخواســت میلیاردی آنها برای آزادی پســرش پرده برداشت و به کارآگاهان گفت: «صبح روز حادثه ســاعت ۰۶:۳۰ سرویس مدرسه پسرم دنبالش آمده بود. امیرحسین هم از خانه خارج شد که سوار سرویس شود اما یک ربع بعد راننده سرویس مدرسه زنگ خانه را زد و در کمــال تعجب به من گفت که چرا امیرحســین پایین نمی‌آید؟ من که نگران شده بودم، بلافاصله به کوچه رفتم و دنبال امیرحسین گشتم؛ اما از او اثری نبود. داشتم دنبال امیرحسین می‌گشتم که حدود ساعت ۷ صبح، فرد ناشناسی با تلفن همراهم تماس گرفت و گفت که امیرحسین را دزدیده‌اند و برای آزادی او ۳ میلیارد تومان پول می‌خواهند.» با ثبت اظهارات پدر امیرحسین به ســرعت تیمی از کارآگاهان برای انجام تحقیقات میدانی به محل ربوده‌شــدن کودک ۱۴ ســاله اعزام شــدند اما هیچ‌کس از ساکنان محل زندگی امیرحسین لحظه آدم‌ربایی را ندیده بود. همزمان تعدادی از کارآگاهان به مدرسه امیرحسین اعزام شــدند که در تحقیقات خود به سرنخ‌های مهمی دست پیدا کردند. در تحقیقات مأموران مشخص شــده بود که چند روز قبل از آدم‌ربایی، چند مرد ناشناس با خودروهای مختلف پژو ۴۰۵ و سیتروئن در اطراف مدرسه پرسه می‌زدند و حتی از مسئولان مدرســه درباره زمان ورود و خروج دانش‌آموزان سوالاتی پرسیده بودند. به این ترتیب چهره‌نگاری از متهمان در دستور کار مأموران قرار گرفت. شیوه آدم‌ربایی نیز نشان می‌داد که متهمان به خوبی از وضعیت اقتصادی پدر گروگانشان باخبر بودند و با نقشه‌ای حساب شده پسر شــاکی را که در زمینه خرید و فروش آهــن‌آلات فعالیت می‌کند، ربوده بودند.

سرانجام با تحقیقات پلیســی و ردیابی شماره تماس آدم‌ربایان مخفیگاه آنها در دهکده المپیک تهران شناسایی شــد و عملیات دستگیری آنها آغاز شد. ساعت ۱۱ ظهر هفتم اردیبهشت و پس از آنکه مأمــوران از حضور گــروگان در مخفیگاه متهمان اطمینان پیدا کردند، در عملیاتی ضربتی به آدم‌ربایان یورش برده و موفق به دســتگیری ۳ آدم‌ربا و نجات امیرحسین ۱۴ ساله شدند.

تبرئه مرد جوان از قتل پسر ماساژور

شهروند| مرد جوانی که با وجود دلایــل و مدارک منکر قتل ماساژور جوان در خانه‌اش می‌شود، درنهایت با حکم دادگاه از اتهام قتل تبرئه شد. این مرد که به‌خاطر ردیابی تلفن همراهش در خانه مقتول دستگیر شده بود، هیچ گاه به این جنایت اعتراف نکرد و مدعی شــد که هیچ اطلاعی از سرنوشت ماساژور جوان ندارد.

عصر ۲۸ آبان سال ۹۲ بود که خبر یک جنایت در شرق تهران به مأموران پلیس گزارش شد. کارآگاهان جنایی بلافاصله موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در محل حادثه به تحقیــق در این رابطه پرداختند. بررسی‌های نخست نشان می‌داد که پسر ۲۴ ساله‌ای به نام مهرداد در خانه مجردی‌اش به قتل رسیده اســت. بررسی‌های بعدی نیز نشان داد که این پسر با عرق‌گیر خودش خفه شده اســت. بنابراین تحقیقات در این رابطه آغاز شد و مأموران به دنبال سرنخی از ماجرای این جنایت گشتند. در همان ابتدا خواهر مقتول در تحقیقات به کارآگاهان گفت: «چند ساعت پیش بود که برادرم با من تماس گرفت و گفت که میهمان دارد. خیلی هراسان بود و رفتارهایش طبیعی نبود. احساس کردم که از چیزی می‌ترسد یا نگران است. برای همین نگرانش شدم به خانه‌اش رفتم؛ وقتی رسیدم دیدم همه وسایل خانه بهم ریخته است. وارد اتاق خواب برادرم شدم که جسد او را دیدم. هنوز هم شوکه‌ام و نمی‌دانم چه کسی دست به این جنایت زده است.»

با اظهارات این زن جوان، تلاش برای ردیابی عامل یا عاملان جنایت آغاز شد. مأموران در این باره چند مظنون را دستگیر کردند؛ اما به‌دلیل نداشتن مدرک کافی همه آنها آزاد شدند و ماجرای این جنایت همچنان معمایی ماند. تا این که یک ماه پس از جنایت بررســی تماس‌های تلفنی قربانی نخستین سرنخ را به دست پلیس داد. آنها در بررسی این تماس‌ها رد یک مرد ۳۰ ســاله به نام بهروز را یافتند که مشخص شد او روز هشتم آبان‌ماه یعنی روز حادثه چندین‌بار با مقتول تماس گرفته و درست در ساعتی که این جنایت رخ داده اســت، تلفن وی در خانه مقتول آنتن‌دهی داشته و او در خانه مقتول بوده است. این سرنخ‌ها کافی بود تا تحقیقات پلیس وارد مرحله تازه‌ای شــود و آنها تحقیقات خود را برای دستگیری این مرد آغاز کنند. درنهایت بهروز در اربیل عراق ردیابی و بازداشت شد. این مرد که به آلمان معروف است، وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، منکر جنایت شد و گفت: «من در مترو با مقتول آشنا شدم و به هم شماره تلفن دادیم. ولی اصلا نمی‌دانم چه کسی او را کشته است. چون هیچ وقت او را ندیدم.» با وجود انکارهای این مرد، به دلیل مدارک موجود کیفرخواست پرونده وی صادر و برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. این مرد یک بار در این شعبه محاکمه و به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. در آن جلسه مادر مقتول در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «نمی‌دانم این مرد با چه انگیزه‌ای پسرم را کشته است. می‌خواهم علت قتل را بدانم. من به هیچ قیمتی از خون پسرم گذشت نمی‌کنم و این مرد باید قصاص شود.» بنابراین پس از صدور حکم قصاص، رأی در دیوانعالی کشور نیز بررسی شد و اما به تأیید قضات دیوانعالی کشور نرسید. بنابراین پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شــد. صبح دیروز این مرد بار دیگر در مقابل قضــات دادگاه قرار گرفت و جنایت را انکار کرد. او در این جلســه که به ریاست قاضی اصغر عبداللهی برگزار شــد، به هیأت قضائی گفت: «من تازه از شهرستان به تهران آمده بودم. وقتی به تهران آمدم، کار جدیدم را آغاز کردم. قرار شد تا از مغازه‌های کفش‌فروشی سفارش بگیرم. در ایستگاه مترو ۱۵ خرداد بود که با مهرداد آشنا شدم. او که پسر خوش‌تیپی بود کنارم ایستاد و سر صحبت را باز کرد و گفت ماساژور اســت و به تنهایی در یک خانه زندگی می‌کند. ما به هم شماره تلفن دادیم و قرار شد همدیگر را ببینیم؛ چراکه او وقتی فهمید من از ترکیه و عراق جنس می‌آورم، شماره‌اش را به من داد تا به مشتریانم بدهم. می‌گفت علاوه بر کار کردن در باشگاه بدنسازی، خصوصی هم به خانه افراد می‌رود و افراد کم‌توان جسمی یا سالخورده را ماساژ می‌دهد. اما چند دقیقه بعد بود که او با من تماس گرفت و مرا به خانه‌اش دعوت کرد. وقتی دیدم رفتارهای مرموزی دارد، به او مشکوک شدم و دیگر جواب تلفن‌هایش را ندادم. شنیده بودم در تهران زورگیری زیاد است به همین دلیل ترسیدم و به ملاقات او نرفتم. تا این که یک ماه بعد وقتی به اربیل عراق رفته بودم، بازداشت شدم. من بعد از آن روز هیچ وقت مقتول را ندیده بودم و در اداره آگاهی فهمیدم که او در خانه‌اش کشته شده است. باور کنید من بی‌گناهم و چندین سال است به جرمی که مرتکب نشده‌ام در زندان به سر می‌برم. برای همین از شــما می‌خواهم مرا آزاد کنید.» در پایان این جلسه پس از صحبت‌های متهم، هیأت قضائی وارد شور شدند و درنهایت این متهم را تبرئه کردند.

آثیر

دستگیری ۸ حمله‌کننده به مأمور پلیس

به دنبال انتشار فیلم درگیری و سنگ‌پرانی چند نفر به سمت مأموران و خودروی پلیس، دفتر ســخنگوی ناجا اعلام کرد که این افراد دستگیر شده‌اند. دفتر سخنگوی ناجا با اشاره به انتشــار این فیلم پرتاب ســنگ به سمت خودروی پلیس راهور در جنوب کشور گفت: چندی پیش به‌دنبال اعمال قانون پلیس راهور برای خودروهای سنگین و نیمه‌سنگینی که در عرض ســواره‌رو و همچنین خلاف جهت اقدام بــه بارگیری مصالح کــرده بودند، چند تن از افراد اقدام به سنگ‌پرانی و هتک حرمت به مأمور و خودروی پلیس کردند. پس از این اتفاق عوامل انتظامی در موقعیت حاضر شده و افراد خاطی را دســتگیر و بــه مقر انتظامی منتقــل کردنــد. همچنین فرد ضــارب که متواری شده بود نیز روز بعد دستگیر و تحویل دستگاه قضائی داده شــد و درمجموع هشت تن در این‌باره دستگیر شدند.

دستگیری کلاهبردار مدعی ارتباط با ائمه

این فرد مدعی ارتباط با ائمه معصومین(ع) بود و از احساسات مذهبی مردم سوءاستفاده می‌کرد. دادســتان عمومی و انقلاب بجنورد با بیان دســتگیری کلاهبردار مدعی ارتباط با ائمه(ع) ایــن که اخیرا خانمــی در منطقه ملکش شهر بجنورد با ادعای دروغین ارتباط با ائمــه معصومین(ع) از احساســات مذهبی مردم سوءاســتفاده می‌کرد، گفــت: این فرد با همکاری همســر و برخی از دوســتان خود مدعی شفای بیماران بود. مسلم محمد یاران افزود: بازپرس شعبه چهارم دادگستری استان دستور بازداشــت این خانم و همدستانش را صادر کرد و در بازجویی‌هــای به عمل آمده، وی به اظهــارات دروغین خــود اعتراف کرد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان از مردم خواســت در مواقع برخورد با چنین مدعیان کلاهبردار، حتما موضوع را به دســتگاه‌های امنیتی و قضائــی گزارش دهند تا دســتگاه قضائی با آنان قاطعانه برخورد کند.

مفقودشدن ۴ مقنی در قنات ۱۵۰ متری

عملیات جست‌وجو برای یافتن ۴ مقنی در قنات ۱۵۰ متری در روستای کسکن سبزوار با گذشت ۲۴ ساعت همچنان ادامه دارد.

ظهر روز سه‌شــنبه ۶ مقنی بــرای لایروبی قنات روستای کســکن ســبزوار وارد دهانه قنات شــده و به عمــق ۱۵۰ متــری رفته و مشــغول لایروبی شــدند. هنوز دو ساعت از فعالیت ۶ مقنی نگذشــته بود که دهانه قنات ریزش کرده و مقنی‌ها در داخل قنات گرفتار شــدند. دو نفر از افراد گرفتار که در نزدیکی دهانه بودند خود را نجات داده و از درون آنجا خارج شــده و ۴ نفر زیر خروارها خاک مفقود شدند. شاهین فتحی، معاون عملیات سازمان امدادو نجات هلال‌احمــر در مورد این حادثه گفت: با اعلام موضوع به هلال‌احمر تیم‌های امدادی به روســتا اعزام شــده و با همکاری آتش‌نشانی مشغول جست‌وجو شدند.

وی ادامــه داد: به‌دلیــل عمق زیــاد قنات کار جســت‌وجو به‌ســختی پیش می‌رود و تا صبح دیــروز تیم‌های امــدادی هلال‌احمر و آتش‌نشــانی نتوانســته بودند مفقودان این حادثه را پیدا کنند. به گفته فتحی ســگ‌های زنده‌یاب نیز در محل حاضر شــده و عملیات جست‌وجو همچنان ادامه دارد.

زندگی دوباره به بیماران نیازمند

اعضای بدن جوانی از شهرستان دلفان استان لرســتان به بیماران نیازمند اهدا شد. خدارضا صفــری جوانی از شهرســتان دلفان اســتان لرســتان که در جریان یک سانحه رانندگی در تهران دچار مرگ مغزی شــده بود، با موافقت خانواده وی اعضــای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شــد. پدر مرحوم خدارضــا صفری گفت: فرزندم که ۴۴ ســال داشــت، ۲۱ مهر امسال در حالی که راکب موتورســیکلت بود، تصادف می‌کند که در این حادثه دچار مرگ مغزی شد. مهرعلی صفری افزود: تعدادی از پزشکان از ما خواستند با توجه به این‌که فرزندم دچار مرگ مغزی شده و امیدی به حیات دوباره وی نیست با اهدای تعــدادی از عضوهای بدن وی زندگی دوباره به بیماران نیازمند اهدا کنیم.

صفری گفــت: موضوع را با مادر، همســر و فرزندان وی در میان گذاشتم که ابتدا برایمان ســخت و تلخ بود اما درنهایت بــه این نتیجه رســیدیم حال که امیدی به زندگــی دوباره فرزند دلبندمان نیســت، حداقــل بگذاریم تعداد دیگری از خانواده‌ها به روزگار ما گرفتار نشــوند. مادر این جــوان دلفانــی نیز گفت: فرزندم هفت فرزند دارد. او برای تأمین هزینه زندگی خانواده خود به تهران ســفر کرده بود که در روز تاسوعا دچار سانحه شد. همسر این جوان نیز اظهار داشــت: ما جهت رضای خدا و کمک به بیماران دردمنــد و نیازمند بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت با اهدای عضو موافقت کرده‌ایم.